

چیستی دیپلماسی علم و فناوری^۱

اکرم قدیمی^۲

آزیتا منوچهری قشقایی^۳

چکیده

واژه "دیپلماسی علم و فناوری" مفهوم نوینی است که در دهه‌های اخیر در سیاست خارجی کشورها مطرح گردیده است. علم و فناوری به عنوان یکی از عرصه‌های دیپلماسی فضای مناسبی را برای گفت‌وگو میان دولت‌ها فراهم می‌سازد. دیپلماسی علم و فناوری از جمله ابزارهای مهمی است که کشورها برای دستیابی به اهداف خود از آن بهره می‌گیرند. این مقاله درصدد تبیین چیستی «دیپلماسی علم و فناوری» است. رسالت بنیادین دیپلماسی علم و فناوری مدیریت بر روابط میان کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی با استفاده از علم و فناوری است که به واسطه آن کشورها از طریق تعاملات رسمی و غیررسمی به مدیریت، هماهنگی و صیانت از منافع ملی خود می‌پردازند. در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است. دیپلماسی علم و فناوری در ایجاد ارتباط، اعتماد و افزایش تبادلات علمی میان کشورهای جهان نقش به‌سزایی دارد. **کلید واژه‌ها:** دیپلماسی، دیپلماسی علم و فناوری، علم، فناوری، نظام بین‌الملل.

مقدمه

با توجه به اینکه دیپلماسی علم و فناوری از شاخه‌های دیپلماسی است لازم است قبل از ورود به بحث دیپلماسی علم و فناوری به موضوع دیپلماسی اشاره شود.

دیپلماسی، ابزاری است که سیاست‌مداران برای دستیابی به منافع ملی خود سده‌ها آن را به کار گرفته‌اند. در اواسط قرن بیستم دیپلماسی، توانمندی خود را در پیش‌گیری از جنگ و یافتن اشتراکات برای زدودن و یا کم‌رنگ ساختن افتراقات نشان داد. محققان و صاحب‌نظران مفهوم دیپلماسی را از جنبه‌های مختلفی مورد بحث قرار داده‌اند. برخی آن را به عنوان "هنر پیشبرد اهداف و منافع ملی" در نظر گرفته و عده‌ای دیگر آن را علمی می‌دانند که به مثابه ابزاری در تدوین و اجرای سیاست خارجی به کار می‌رود. به عبارتی دیپلماسی وسیله‌ای است که به واسطه آن کشورها از خلال نمایندگی‌های رسمی و غیررسمی و همچنین سایر بازیگران به مدیریت، هماهنگی و صیانت منافع ویژه و مشخصی یا به طور کلی به همه منافع خود می‌پردازند (نیک‌آیین، ۱۳۸۸).

۱. این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی است که در مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور اجرا شد.

۲. استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور ghadimi2005@gmail.com

۳. کارشناس مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

بر اساس تعریف دیگری "دیپلماسی عبارتست از مجموعه تدابیر و اعمالی که عمدتاً با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز برای دستیابی به حداکثر توافق و تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل، برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی، به کار گرفته می‌شود" (البرزی، ۱۳۶۸: ۵-۶).

"هانس مورگنتا" دیپلماسی را هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن گروه از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی می‌داند که مستقیماً به منافع ملی مربوط می‌شوند. از دیدگاه وی دیپلماسی که تدوین و اجرای سیاست خارجی کشور را در همه سطوح بر عهده دارد، مغز متفکر قدرت ملی است؛ همان‌گونه که روحیه ملی، روح آن است. وی حتی کیفیت دیپلماسی را مهم‌ترین عامل قدرت ملی می‌داند که همه عوامل تعیین‌کننده قدرت ملی نظیر موقعیت جغرافیایی، خودکفایی در منابع و مواد خام، تولید صنعتی، آمادگی نظامی و جمعیت را به صورت مجموعه‌ای منسجم ترکیب می‌کند و به آنها جهت و وزن می‌دهد (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۴۷-۲۴۶).

براین اساس می‌توان گفت دیپلماسی، همان "علم، فن و هنر گفت‌وگو" است. گفتمانی که طرفین بپذیرند می‌توانند هر دو برنده باشند. دیپلماسی یکی از کارآمدترین ابزارها در ارتباطات جهانی شناخته می‌شود، این ابزار نیز همانند سایر ابزارها در طی زمان تحولات گوناگونی را تجربه کرده است. به واسطه همین تحولات شکلی و ماهوی بود که دیپلماسی اشکال و انواع متفاوتی یافت. نخستین شکل دیپلماسی، دیپلماسی سنتی بود. در گذر زمان دیپلماسی سنتی، به دیپلماسی‌های نوین مانند دیپلماسی بشردوستانه و دیپلماسی علم و فناوری و انواع دیگر دیپلماسی‌ها تغییر یافت.

از منظر برخی از پژوهشگران، دیپلماسی علم و فناوری شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی محسوب می‌گردد که در چند دهه اخیر توجه و تمرکز کارشناسان این حوزه را به خود جلب نموده است. پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد که انتقال علم و فناوری با سهولت بیشتری ممکن گردید، دستگاه سیاست خارجی کشورها بویژه کشورهای توسعه‌یافته به اهمیت بهره‌گیری از دیپلماسی علم و فناوری پی برده و آن را در دستور کار خود قرار دادند.

وابستگی برخی دولت‌ها به فناوری‌های پیشرفته موجود در کشورهای توسعه‌یافته موجب می‌شود تا دیپلماسی مبتنی بر علم و فناوری بتواند در مدت زمان کوتاه‌تر و با سهولت بیشتر به اهداف سیاست خارجی دست یابد. تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی به کارگیری دیپلماسی مبتنی بر علم را راهی مطمئن‌تر در دستیابی به اهداف کشورها در صحنه سیاست جهانی و مقابله با تهدیدات بین‌المللی در نظر می‌گیرند. این پژوهش درصدد پاسخ به "چیستی دیپلماسی علم و فناوری" است.

چیستی دیپلماسی علم و فناوری

از هنگام پایان جنگ سرد قدرت‌های بزرگ جهانی برحسب قدرت نظامی یا قدرت سخت از "علم" به عنوان میانجی دیپلماتیک استفاده نمودند. امروزه، مفهوم دیپلماسی نیز همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در روابط بین‌الملل تخصصی شده و دیپلماسی علم و فناوری به عنوان یکی از انواع دیپلماسی با به عرصه نهاد. نخبگان علمی و صاحبان اندیشه در دیپلماسی علم و فناوری نقش بسزایی دارند. در دیپلماسی علم و فناوری باید دو جنبه مورد توجه قرار گیرد:

۱. متخصص بودن کارگزاران سیاسی و دیپلمات‌ها؛

۲. گسترش عرصه‌های همکاری‌های علمی میان طرفین مذاکره.

پیش از آنکه واژه دیپلماسی علم وارد ادبیات علمی جهان شود در امریکا از این موضوع تحت عنوان قدرت هوشمند و یا قدرت نرم نام برده می‌شد (موسوی موحدی، کیانی، ۱۳۹۱: ۷۲). در خصوص تمایز میان «قدرت نرم» و «قدرت سخت»، دیدگاه «جوئف نای» از مباحثی است که توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل و سایر عرصه‌ها را به خودجلب نموده است. وی «قدرت سخت» را استفاده از ابزارهای نظامی و اقتصادی برای وادار ساختن دیگران به انجام کاری می‌داند، در حالی که «قدرت نرم» بر پایه ارزش‌ها و منافع مشترک برای جذب، ترغیب و نفوذ شکل می‌گیرد. علم همواره در توسعه توانمندی‌های «قدرت سخت» همچون فناوری‌های نظامی، نقش ایفا کرده است. اما «علم برای دیپلماسی» اصولاً به «قدرت نرم» علم که به عنوان یک سرمایه ملی از جذابیت و نفوذ برخوردار بوده و به عنوان یک فعالیت جهانی از منافع ملی نیز سبقت می‌گیرد، نزدیک‌تر است (نظیف‌کار، ۱۳۹۱).

چنانچه بپذیریم دیپلماسی کارآمد، یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب می‌گردد در آن صورت شاه کلید آن استفاده از "علم و فناوری" است. دیپلماسی علم و فناوری علاوه بر ایفای نقش کاتالیزور در ارتقاء جایگاه کشورها در بسیاری از حوزه‌ها نیز می‌تواند به مثابه پلی میان همکاری‌های تحقیقاتی و فناوری عمل نماید.

بهره‌گیری از علم و فناوری در دیپلماسی موجب تسهیل و تسریع مذاکرات، تبادل و دستیابی به اطلاعات، افزایش مناسبات

جهانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی می‌شود به نحوی که اعتبار و مشروعیت بیشتری را برای کشورهای استفاده‌کننده از آن به دنبال می‌آورد. (قدیمی؛ ۱۳۹۲).

دیپلماسی با محوریت علم و فناوری موجب می‌گردد تا کشورها بتوانند در برنامه‌های علمی بین‌المللی و منطقه‌ای تأثیرگذاری داشته و از طریق ارائه کمک‌های علمی و فناوری به دیگر کشورها تأثیر و نفوذ خود را افزایش بخشند. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت دیپلماسی علم و فناوری عبارت است "از استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت و ملیت‌ها برای رفع مشکلات مشترک و ایجاد مراودات بین‌المللی سهل و حساب‌شده" می‌باشد. کارشناسان و صاحب‌نظران تعاریف متفاوت و متنوعی برای تبیین و شرح واژه دیپلماسی علمی و فناوری ارائه نموده‌اند، اما طیف این واژه بسیار گسترده و تمامی تعاملات رسمی و غیررسمی علمی، پژوهشی، آموزشی، فناوری و نوآوری در سطوح مهندسی و دانشگاهی را شامل می‌شود (موسوی موحدی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۲).

براتی، دیپلماسی علم و فناوری را چنین تعریف می‌کند: "به تعاملات علم و فناوری میان یک کشور با دیگر، بازیگران بین‌المللی که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد و یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز تعاملات علم و فناوری گردد، دیپلماسی علم و فناوری" گویند (شبکه تحلیل‌گران تکنولوژی ایران). گرچه دیپلماسی علم به معنای به کارگیری علم برای اهداف سیاسی است اما نباید دیپلماسی علم و فناوری را مفهومی صرفاً سیاسی قلمداد نمود. دیپلماسی علم، هدفی سیاسی و بستری سیاسی را می‌طلبد اما این بدان معنا نیست که این رویکرد مفهومی صرفاً سیاسی است. در دیپلماسی علم و فناوری منافع اقتصادی باید لحاظ گردد اما این منافع اقتصادی از طریق بستری سیاسی و علمی حاصل می‌شود لذا دیپلماسی علم و فناوری مفهومی چند بعدی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان هر سه بعد سیاست، اقتصاد و علم را در آن مشاهده کرد. با توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت دیپلماسی علمی طیف گسترده‌ای از تبادلات رسمی یا غیررسمی در حوزه‌های فنی، تحقیق محور، دانشگاهی و فناورانه ... را در برمی‌گیرد.

پیشینه دیپلماسی علم و فناوری

اولین گام در استفاده از علم به عنوان ابزار دیپلماسی با تاسیس شورای بین‌المللی اتحادیه‌های علمی که بعدها به "شورای بین‌المللی علم" تغییر نام داد، برداشته شد و یکی از قابل توجه‌ترین کارکردهای عملی دیپلماسی علم و فناوری در هنگام جنگ سرد شکل گرفت. جان اف کندی در سال ۱۹۶۱، توافقنامه همکاری علمی و فناوری با ژاپن را منعقد کرد، این توافقنامه به بهبود روابط شکننده دو کشور بعد از جنگ جهانی دوم کمک شایانی کرد (Conference on Cultural and Educational Interchange, 2008).

در دهه ۱۹۷۰، هنری کسینجر با چین در زمینه‌های علمی به مذاکره پرداخت این در حالی است که روابط رسمی دیپلماتیک میان چین و ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ برقرار شد و موضوعات علمی نقش بسزایی در ایجاد این روابط داشت (Turekian, 2002).

در سال‌های پس از پایان جنگ سرد، کنگره ایالات متحده، جرج براون کارشناس زنده مسائل علمی و فناوری را به عنوان رئیس کمیته امور کنگره منصوب کرد. براون همچنین به ایجاد دفتر سیاستگذاری علم و فناوری کاخ سفید، سازمان حفاظت محیط زیست، دفتر ارزیابی فناوری و اولین برنامه تحقیقات تغییرات آب و هوایی (۱۹۸۷) کمک کرد.

در مارس ۲۰۱۰، دو نفر از اعضای کنگره آمریکا به نام‌های هاروارد برمن و جف فورتن بری، برنامه‌های جهانی علوم برای امنیت، رقابت و دیپلماسی را که در افزایش استفاده از علم و تعاملات علمی در سیاست خارجی آمریکا تأکید داشت، پیشنهاد کردند.

انجمن امریکایی پیشبرد علم نیز مرکز دیپلماسی علمی را با هدف استفاده از علم و همکاری‌های علمی برای ارتقاء و درک جهانی علم در مارس ۲۰۱۲ تاسیس کرد. انتشار فصلنامه "علم و دیپلماسی" نیز از فعالیت‌های این مرکز است (Green 1999) همانگونه که بیان گردید مهمترین کارکردهای دیپلماسی علم و فناوری را می‌توان در تبادل علمی میان دانشمندان آمریکایی و روسی در جنگ سرد ملاحظه نمود. این مبادلات و همکاری‌ها به‌طور غیرمستقیم هر دو کشور را وادار می‌کرد تا نسبت به صدور ویزای علمی برای دانشمندان متقاضی ورود به کشور مقابل اقدام کنند و بعدها همین مراودات علمی، زمینه را برای برقراری مجدد روابط سیاسی و بین‌المللی که رو به افول و سردی گذاشته بود، فراهم کرد. از نمونه‌های دیگر ساختارهای دیپلماسی علم و فناوری می‌توان به تأسیس "سازمان تحقیقات هسته‌ای اروپا" اشاره کرد (موسوی موحدی، کیانی، ۱۳۹۱: ۷۲) در سال‌های اخیر توجه به دیپلماسی با محوریت علم و فناوری، افزایش یافته است. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۰ در ایالات

متحدہ امریکا، پست مشاور علمی و فناوری برای وزیر امور خارجه ایجاد گردید. در انگلستان دولت در سال ۲۰۰۱ شبکه علم و اطلاع رسانی را با هدف مرتبط ساختن هر چه بیشتر علم با اهداف سیاست خارجی کشور ایجاد نمود. در سال ۲۰۰۷؛ این سیاست رسمی در حوزه دیپلماسی با محوریت علم و فناوری اتخاذ نمود و به دنبال آن در وزارت امور خارجه ژاپن، سفیری در حوزه علم و فناوری انتخاب گردید. چین در برنامه توسعه علم و فناوری سال ۲۰۰۶ خود چگونگی دستیابی به یک "جامعه انگیزه محور" تا سال ۲۰۲۰ و همچنین راهبری جهانی در حوزه علم و فناوری تا سال ۲۰۵۰ را مشخص کرد. فرانسه نیز از دیگر کشورهایی بود که نقش مثبت علم در دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود را به رسمیت شناخت.

بدیهی است دیپلماسی علم و فناوری نیز مانند سایر دیپلماسی ها، در راستای تامین منافع ملی کشورها انجام می پذیرد. در ادامه به اهداف دیپلماسی علم و فناوری اشاره می شود.

اهداف دیپلماسی علم و فناوری

علم و فناوری در معادلات سیاسی جهان، از طریق دیپلماسی علم و فناوری نقش آفرینی می کند. موفقیت دیپلماسی علم و فناوری در گرو، هدفمندی و هدف گذاری آن می باشد. بنابر این ضروری است که دولت ها اهداف دیپلماسی علم و فناوری خود را تنظیم و تدوین نمایند.

عمده ترین اهداف دیپلماسی علم و فناوری را می توان به شرح زیر برشمرد:

افزایش نفوذ و نمایش آن در صحنه بین الملل؛

ارتقای جایگاه و پرستیژ کشورها در نظام بین الملل؛

دستیابی به جایگاه مناسب علمی و فناوری در عرصه بین الملل؛

افزایش همکاری های علمی و فناوری جهت نزدیک ساختن دیدگاه کشورها در قبال مسائل مورد علاقه؛

ترغیب و تشویق سایرین به انجام گفت و گو و مذاکرات صلح آمیز با استفاده از علم و فناوری؛

دستیابی به منافع اقتصادی و سیاسی با بهره گیری از علم و فناوری؛

ایجاد جو اعتماد و اطمینان در پرتو تحولات علمی و فناوری؛

تسهیل و مشارکت همکاری جوانه در فضای علمی جهان (قدیمی، ۱۳۹۲).

برای دستیابی به اهداف دیپلماسی علم و فناوری ابزارهای گوناگونی لازم است تا زمینه تحقق اهداف مشخص شده فراهم شود.

ابزارهای دیپلماسی علم و فناوری

در این پژوهش به عمده ترین ابزارهای دیپلماسی علم و فناوری اشاره می شود:

الف: موافقت نامه های علمی؛

ب: منابع انسانی متخصص؛

ج: نهادها و دستگاه های کارآمد؛

د: تخصیص بودجه مناسب.

الف: موافقت نامه های علمی

موافقت نامه های علم و فناوری ابزاری مؤثر و راهکاری مناسب برای دیپلماسی علم و فناوری است. در سال های اخیر تعداد موافقت نامه های علم و فناوری افزایش چشم گیری داشته است. انعقاد موافقت نامه های همکاری های علمی حاکی از بهبود روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... میان کشورهای جهان است، به نحوی که توافق نامه های علمی زمینه ساز همکاری های علمی و فناوری می باشند.

لازم به ذکر است اجرای این توافق نامه ها به عنوان مهم ترین ابزار دیپلماسی علم و فناوری با مشکلاتی از جمله عدم ضمانت اجرای توافق نامه ها، مشکل تامین منابع مالی و شکل گیری تحریم ها علیه یک کشور مواجه می باشند.

ب: منابع انسانی متخصص

منابع انسانی کارآمد و متخصص از مؤلفه های مهمی است که در دیپلماسی علم و فناوری نقش دارند. نقش آفرینان این

حوزه به راحتی می‌توانند کارایی دستگاه دیپلماسی را زیر سؤال برده و یا آن را به نهایت خود برسانند. هنگامی که سخن از قدرت نرم به میان آورده می‌شود توانایی اثرگذاری و تلاش برای شناسایی فرصت‌های مناسب به ذهن متبادر می‌شود. برای اثرگذاری و شناسایی فرصت‌های بهتر، بی‌شک به‌کارگیری نیروهایی که از چنین ظرفیت‌هایی برخوردار باشند بسیار کلیدی است. تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود ناگزیر به بهره‌گیری از توان و ظرفیت کارشناسان هستند.

تعامل با دیگران خود هنری است که فقط در اختیار نیروهای انسانی کارآمد قرار دارد. دیپلماسی علم و فناوری صرفاً یک شیوه تبلیغاتی یا بازاریابی نیست بلکه مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدیدی است که دستگاه سیاست خارجی را در دستیابی به اهدافش یاری می‌کند.

در دیپلماسی علم و فناوری، مخاطبان، نهادها و سازمان‌های خاص علمی هستند که برای برقراری ارتباط با آنها وجود مهارت‌های خاصی مورد نیاز است. در حالی که در دیپلماسی سنتی، همواره نوعی ابهام به چشم می‌خورد. یکی از مؤلفه‌های موفقیت در دیپلماسی علم و فناوری وجود شفافیت می‌باشد. کارشناسان کارآمد و نخبه در این عرصه می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن طرف‌های مقابل تغییر نگرش آنها نسبت به سیاست خارجی کشور را نیز تعقیب کنند. در منابع انسانی کارآمد چند اصل اساسی از جمله آموزش، وجود شخصیت جذاب، قابلیت درک ارزش‌های طرف مقابل و احترام به آنها و در ضمن آگاهی و اشراف کامل به سیاست‌ها و استراتژی‌های کلی کشور باید لحاظ شود.

ج: نهادها و دستگاه‌های کارآمد

دیپلماسی علم و فناوری، عملکرد بسیار پیچیده‌ای دارد. تعدد مراکز و نهادهای شریک و همکار در دیپلماسی علم و فناوری موجب می‌گردد که معمولاً ناهماهنگی در این دیپلماسی به وجود آید و این ناهماهنگی مانع اتخاذ تصمیمات مؤثر می‌گردد از جمله نهادهای تأثیرگذار در دیپلماسی علم و فناوری در تمامی کشورها وزارت خارجه و مراکز دانشگاهی و علمی می‌باشند که ظرفیت و کارایی آنها منجر به توانمندی دیپلماسی علم و فناوری در صحنه سیاست خارجی می‌گردد. چنانچه کارشناسان دستگاه سیاست خارجی بتوانند عرصه‌های مورد توافق در دیپلماسی علم و فناوری جهت مبادله همکاری‌ها میان کشورها را تشخیص داده و آن را به هر مبالغه‌ای تصمیم‌گیری منتقل نمایند، امکان بهره‌گیری از مزایا و منافع دیپلماسی علم و فناوری را فراهم و هزینه‌های جانبی سنگین تصمیم‌گیری منتقل نمایند، امکان بهره‌گیری از مزایا و منافع دیپلماسی علم و فناوری را فراهم و مراکز دانشگاهی و علمی هستند که بنا به گستردگی و توانمندی علمی کشورها از تأثیرگذاری‌های متفاوتی برخوردارند. به عنوان مثال ژاپن با پیشرفت‌های علمی بسیار چشم‌گیر خود و وجود مراکز علمی، تحقیقاتی و پژوهشی معتبر در این زمینه از توان تأثیرگذاری متفاوتی در دیپلماسی علم و فناوری در مقایسه با یک کشور افریقایی برخوردار است. برخی از این نهادهای پژوهشی و تحقیقاتی که غیردولتی نیز می‌باشند در صحنه علمی گوی سبقت را ربوده‌اند مانند برخی از شرکت‌های الکترونیکی و کامپیوتری معروف جهان که توانسته‌اند حتی سیاست خارجی کشورها را نیز تحت تأثیر قرار دهند.

د: تخصیص بودجه مناسب

تخصیص بودجه مناسب از زمره ابزارهای اصلی دیپلماسی علم و فناوری می‌باشد، دیپلماسی علم و فناوری نیز همانند سایر حوزه‌ها نیازمند وجود منابع مالی است که بدون تخصیص آن امکان کارکرد بهینه دیپلماسی وجود نخواهد داشت. مساعد بودن شرایط اقتصادی برای کارشناسان و منابع انسانی کارآمد در کنار وجود نهادها و دستگاه‌های معتبر در این زمینه می‌تواند عرصه مناسبی را برای اعمال دیپلماسی علم و فناوری فراهم سازد. متأسفانه گاهی شاهد آن هستیم که این باور غلط در ارکان مختلف جوامع جای گرفته است مبنی بر آنکه از نیروهایی استفاده می‌گردد که حق‌العمل کمتری درخواست می‌نمایند در حالی که کارشناسان زبده‌تر باید از امکانات مالی بهتری برخوردار شوند و تخصیص منابع برای این حوزه باید بر اساس حق‌العمل در نظر گرفته شده در سطح بهترین و گران‌ترین پروژه‌های تحقیقاتی به این افراد اختصاص یابد (قدیمی، ۱۳۹۲).

ابعاد دیپلماسی علم و فناوری

دیپلماسی علم و فناوری از سه بُعد برخوردار است که عبارتند از:

الف: ارائه نظرات و توصیه‌های علمی برای اعمال آنها در اهداف سیاست خارجی (علم در دیپلماسی)

ب: تسهیل همکاری‌های علمی بین‌المللی (دیپلماسی برای علم)

ج: استفاده از همکاری‌های علمی برای بهبود روابط بین‌المللی میان کشورها (علم برای دیپلماسی)

الف: علم در دیپلماسی

در این بعد، جامعه علمی، سیاست‌گذاران را از آخرین اطلاعات آگاه می‌سازند. هدف از این همکاری رفع موانع موجود، بهبود تبادلات و همکاری‌های دیپلماتیک و یا سایر فعالیت‌هایی است که در آنها وجود یک توافق نظر و درک واضح و روشن، ضروری و لازم است. به طور کلی در این حالت علم، به عنوان پشتوانه تحقق اهداف سیاست خارجی تلقی می‌شود.

ب: دیپلماسی برای علم

دیپلماسی برای علم، دومین بُعد دیپلماسی علمی است که درصدد تسهیل همکاری‌های بین‌المللی - خواه اولویت‌های استراتژیک تعیین شده از بالا به پائین و خواه همکاری‌های پائین به بالا در میان پژوهشگران و اندیشمندان - می‌باشد. در مواقعی که روابط و ارتباطات سیاسی ضعیف و شکننده می‌شوند، علم نه تنها توانایی برقراری روابط میان جوامع را دارد بلکه می‌تواند در موضوعات دیپلماتیک، مذاکرات و موافقت‌نامه‌ها به کمک دستگاه دیپلماسی بشتابد.

ج: علم برای دیپلماسی

سومین بُعد از دیپلماسی علم؛ «علم برای دیپلماسی» است، در این حالت همکاری‌های علمی و فناوری، روابط بین‌المللی را بهبود می‌بخشد (نظیف کار، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

امروزه، یکی از متغیرهای پیشرفت کشورها در صحنه بین‌المللی، استفاده از علم و فناوری در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاست خارجی است که از آن به عنوان "دیپلماسی علم و فناوری" یاد می‌شود. "دیپلماسی علم و فناوری" ترکیبی از دو اصطلاح دیپلماسی و علم و فناوری است. دیپلماسی در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به معنای، "فن پیشبرد و اجرای سیاست خارجی از طرق مسالمت آمیز است". دیپلماسی در گذر زمان، به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده و تحولات بسیاری به خود دیده است.

علم و فناوری به عنوان یکی از عرصه‌های دیپلماسی فضای مناسبی را برای گفت‌وگو میان دولت‌ها فراهم می‌سازد و از این رو دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند در ایجاد ارتباط، اعتماد و افزایش تبادلات علمی میان کشورهای جهان نقش به‌سزایی ایفا نماید. بهره‌گیری از علم و فناوری در دیپلماسی موجب تسهیل و تسریع مذاکرات، تبادل و دستیابی به اطلاعات، افزایش مناسبات جهانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی می‌شود به نحوی که اعتبار و مشروعیت بیشتری را برای کشورهای استفاده‌کننده از آن دربردارد.

ایجاد و گسترش همکاری‌های علمی و فناوری میان کشورهای جهان، یکی از کارکردهای دیپلماسی علم و فناوری است. رسالت بنیادین دیپلماسی علم و فناوری مدیریت بر روابط میان کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی با استفاده از علم و فناوری می‌باشد که به واسطه آن کشورها از طریق تعاملات رسمی و غیررسمی به مدیریت، هماهنگی و صیانت از منافع ملی خود می‌پردازند.

منابع

- البرزی، م. ر. (۱۳۶۸). ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیستم. تهران: نشر سفیر.
- قدیمی، ا. (بهار ۱۳۹۲) مطالعه و بررسی تطبیقی نقش دیپلماسی علم و فناوری در کشورهای جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، پاکستان، ترکیه، ژاپن، کوبا، مالزی، هند؛ تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- مورگنتا، ه. جی (۱۳۷۴) سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح. مترجم: حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- موسوی موحدی، ع. ا. و کیانی بختیاری، ا. (۱۳۹۱) دیپلماسی علمی و فناوری. نشریه نشاء علم. سال دوم، خرداد ماه ۱۳۹۱. صص ۷۱-۷۶.
- نظیف کار، غ. (۱۳۹۱) مرزهای جدید در دیپلماسی علم. نشریه ترویج علم. سال سوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

صص ۶۷-۷۱

نیک آئین، ا. (۱۳۸۸) دیپلماسی عمومی؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین الملل. فصلنامه سیاست خارجی. سال ۳۲، تابستان ۱۳۸۸، صص ۴۹۳-۲۶۳.

شبکه تحلیل گران تکنولوژی؛ [online]؛ www.itan.ir؛ فروردین ۱۳۹۲.

Green, S., (17 July 1999). "Liberal Representative George Brown Jr. Dies". Daily News

"Re-defining the Japan-US Relationship").12 June 2008(. *US-Japan Conference on Cultural and Educational Interchange (CULCON)*).

Turekian, Vaughan C.; Neureiter, Norman P. (9 March 2012). "Science and Diplomacy: The Past as Prologue". *Science & Diplomacy*.